

نگاهی نه چندان جدی به کودک

رضا جلالی

«کودک؛ آینه معنویت» عنوان نمایشگاه عکسی است که آذرماه در موزه هنرهای معاصر فلسطین به نمایش درآمد؛ مجموعه‌ای شامل ۷۵ عکس از حدود ۵۰ عکاس که همگی با محوریت اصلی کودکان عکاسی شده‌اند.

به طور حتم دنیای کودکان با همه جوانب خود دارای جذابیت‌های بسیاری برای بزرگسالان است، چرا که به نوعی همه آنها در بر خورد با کنش‌های جهان کودکان دارای حسی نوستالژیک هستند. اما حضور عکاس در چنین جهان جذاب و رنگینی خود امر بسیار پیچیده‌ای است. شاخه عکاسی از کودکان را اگر در خاطره‌های عکاسان بنام پرتره دنبال کنیم، اغلب آنها از دشواری عکاسی سخن به میان می‌آورند.

کودک به دلیل کنش‌های آنی خود که اغلب بر اساس منطق لحظه‌ای شکل می‌گیرد چندان قابل پیش بینی نیست. از همین رو عکاسی از موضوعی که هیچ رفتار قابل پیش بینی در شرایط مستند نمی‌توان از آن انتظار داشت مشکل است.

نمایشگاه حاضر حاصل تلاش تعدادی از عکاسان برای رسیدن و ثبت لحظه‌های ناب از روزمرگی کودکان است. با توجه به روند کلی عکس‌ها به چند نکته اساسی در این زمینه پی می‌بریم. اول آنکه عکس‌ها بدون جهت دهی خاصی تنها با ذهنیت ثبت لحظه‌هایی از کودکان تهیه شده‌اند. یعنی در بعضی از آثار ما با فضایی رو به رو هستیم که در آن کودکان سیر طبیعی روزمرگی‌شان را طی می‌کنند. حال، اینکه در این مورد از صفت «طبیعی» استفاده می‌شود خود جای بحث دارد. منظور از این کلمه آن نیست که عکاسان باید لحظه‌هایی را ثبت کنند که اعمال یا شرایط غیرطبیعی در حال اتفاق است، بلکه بحث بر سر دیدگاه و زاویه عکاسی است که از منظری ساده انگارانه و فارغ از تأمل و تدبیر انتخاب شده است.

با نگاهی به اطراف خود با کودکانی رو به رو می‌شویم که روزمرگی طبیعی خود را طی می‌کنند. اما با کمی تأمل و دقت در این روند، با لحظه‌هایی ناب و دست نیافتنی رو به رو می‌شویم که مختص شرایط است.

یکی از نکات مهم دیگر این نمایشگاه، نبود آثاری است که در آنها به شرایط اجتماعی و جغرافیایی کودکان توجه شده و آنها را در موقعیت‌های روزمره‌شان به تصویر کشیده باشد. به طور مثال بازی در نزد کودکان اقوام و فرهنگ‌های مختلف دارای وجوه گسترده و قابل توجهی است. بعضی از این آثار به صرف حضور کودک در قاب تصویر تبدیل به یک عکس شده و بر روی دیوار نمایشگاه قرار گرفته‌اند؛ اما نکته مهم آن است که این آثار با کدام پشتوانه تصویری می‌توانند بر حافظه مستند نگارانه مخاطب تأثیر بگذارند. شاید یکی از عمده دلایل چنین رویکردهایی عنوان پیچیده جشنواره‌ای است که دومین دوره خود را پشت سرمی‌گذارد و این آثار مجموعه منتخب جشنواره هستند؛ همچنین تفاسیری است که برگزار کنندگان آن در قالب اساس نامه خود ارائه داده‌اند و در آن معتقدند که کودک به دلیل سرشت پاک خود به اصل معنویت متصل است و بدین جهت، هر فعل و انفعالی از سوی کودک دارای ذاتی معنوی است. در حالی که تعریفی این چنین باعث شده تا تشتت آثار راه یافته به نمایشگاه دو چندان شود.

یک دسته از آثار، کودکان را در فضایی مذهبی به تصویر کشیده‌اند؛ دسته‌ای دیگر کودکان را در شرایط روزمره به نمایش گذاشته‌اند؛ و دسته سوم شامل آثاری اند که مابین این دو فضا، تنها حول و حوش محوری با نام کودک حرکت می‌کنند.

شاید اگر نمایشگاه بدون عنوانی این چنین برگزار می‌شد تکلیف شرکت کنندگان با مخاطب روشن تر از وضعیت کنونی بود. اگر به گذشته و تجربه‌هایی مشابه در برگزاری جشنواره‌ای در حوزه عکس و با محوریت کودک مراجعه کنیم، با جشنواره‌های عکس سوره رو به رو می‌شویم که توسط خانه عکاسان ایران برگزار می‌شد؛ نمایشگاهی بین المللی در حد و اندازه‌ای تحسین برانگیز که آثاری با کیفیت قابل قبول در آن ارائه می‌شد؛ روندی که پس از چند دوره به دلایلی متوقف شد. بنابراین شاید یکی از راهکارهای پیش رو در منظر برگزار کنندگان چنین جشنواره‌هایی، حرکت به سوی برگزاری بین المللی و با عناوین گسترده تر است.

یکی دیگر از عوامل تشتت در این نمایشگاه حضور چند عکس از یک عکاس بدون توجیهی خاص است. جالب آنکه یکی از وجوه



بارز این نمایشگاه عدم حضور ذهنیت مجموعه‌ای در نزد عکاسان است. یعنی آثار این چند عکاس که با چند عکس در نمایشگاه حضور دارند مشخص‌کننده آن است که عکاسان آن به هیچ وجه قصد ارائه مجموعه‌ای کامل از کودک نداشته‌اند و همین امر موجب می‌شود در بررسی دقیق عکس‌ها متوجه نوعی برخورد سردستی و سهل‌انگارانه با موضوع کودک شویم؛ برخوردی که چندان قابل تأمل نیست؛ به طور مثال، عکسی از یک کودک در ماه محرم. هنگام بررسی دقیق این عکس بیش از هر چیز، این فضای بصری و تأثیرگذار اطراف است که چشم را به خود جذب می‌کند، چرا که حضور کودک به شدت استعاری و نخ نما شده است. حضور یک کودک در چنین مراسمی به خودی خود چندان حایز اهمیت تصویری نیست مگر آنکه در جریان این حضور اتفاق ویژه‌ای از زاویه ویژه‌ای شکل گیرد. نمونه فوق خود دلیل بارزی بر مدعای برخورد سهل‌انگارانه عکاسان با موضوع عکاسی خود است.

آثار دیگری نیز هستند که نمی‌توان میان عکاس آن با دیگر عکاس‌ها مرزی به عنوان حرفه‌ای یا آماتور قرار داد؛ به طور مثال عکسی که در آن دو کودک همراه پدرشان به هنگام عبور از خیابان در یکی از کشورهای همسایه شرقی، به تصویر کشیده شده‌اند. ترکیب بندی ساده انگارانه عکس از تأثیرگذاری آن به شدت کاسته است. با گسترش چنین دیدگاهی در باقی آثار متوجه این برخورد چندگانه می‌شویم؛ یعنی آثاری که به لحاظ تکنیک‌های ابتدایی مشکل دارند. توجه داشته باشید که در این جشنواره موضوع کودکان بوده‌اند و نه عکاسان، اما گاهی تصور بر این است که آثار این نمایشگاه را کودکان ثبت کرده‌اند؛ کودکانی بی تجربه در فن عکاسی و بدون اطلاع لازم از چگونگی ثبت صحیح یک عکس، که چنین امری بعید به نظر می‌رسد. البته باید اذعان داشت که در این میان با آثاری مواجه می‌شویم که دارای کیفیت‌های بدیعی در عکاسی هستند.

باید خاطر نشان کرد که مخاطب این روزهای هر نمایشگاه هنری خود دارای سلیقه‌ای است که هر روزه مورد هجوم تصاویر فراوانی اعم از تلویزیونی، ماهواره‌ای و یا اینترنتی قرار می‌گیرد. بنابراین باید تا حدی به سلیقه او نیز در مواجهه با آثار احترام گذاشت. گاهی سطح عکس‌ها تا حد آثار موجود در قسمت‌های جالب و دیدنی سایت‌های اینترنتی نزول می‌کند که این چندان قابل تأمل نیست. از سویی دیگر پرداختن به وجوه عام و گذر از معانی محدودکننده باعث تحرک و پویایی بیشتری در این نمایشگاه می‌شد. به هر حال بخشی از جذابیت تصویری نمایشگاهی این چنین می‌توانست ثبت لحظه‌های مختلف روزمرگی کودکان در وضعیت‌های گوناگون باشد.

تصور بر این است که دنیای کودکانی که در خیابان حضور دارند، حال تحت عنوان بازی، کار، تحصیل و یا انجام مراسم و حضور در مناسک مذهبی، همیشه جذاب است، در حالی که چنین نیست. بازی‌های کودکان در منزل و صرف وقت آنها در فضای خانه خود بخش دیگری از جذابیت‌های آشکار روزمرگی کودکان است که در این نمایشگاه چندان ردپایی از آن را ملاحظه نمی‌کنیم. البته باید خاطر نشان کرد که نمایشگاه فوق به لحاظ مستندنگاری جای خالی دیگری نیز دارد و آن حضور کودکان در عرصه کار است. هر چند در وهله نخست چنین امری هیچ ارتباطی با عنوان نمایشگاه فوق ندارد، اما باطن نظریه داریوش عسگری، دبیر دومین جشنواره عکس «کودک؛ آینه معنویت»، شامل دیدگاهی کلی نگر است که چنین بخشی را نیز شامل می‌شود. اساس تناقض در این نمایشگاه نیز چنین نظریه‌ای است.

یکی دیگر از نکات حایز اهمیت در این نمایشگاه بخشی از فضای نمایشگاه است که به ظاهر انبار موزه هنرهای معاصر فلسطین است و در آن تعدادی از تابلوهای نمایشگاه قبلی به شکلی نگهداری می‌شوند که گاهی مانع از دیدن عکس‌ها بر دیوار هستند؛ هر چند این امر به خودی خود چندان تأثیری بر کلیت برخورد آسان‌گیرانه عکاسان در آثار حاضر ندارد. بارها و بارها شنیده‌ایم که دنیای کودکان ساده و پاک است، اما این دلیل نگاهی چنین به جهانی سرشار از نکته‌های ظریف و حایز اهمیت نیست. ساختارهای تصویری عکس‌های موجود در نمایشگاه کنونی نه در جهت عنوان نمایشگاه گام بر می‌دارد و نه در جهت ارائه برخوردی مستندنگارانه، کاشف و جست و جوگر عمل می‌کند.